■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۷۹۵ ■ شنبه ■ ۲۰ آذر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۸ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۳ | اذان صبح فردا ۵/۳۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۵

سخن روز

حضرت زینب(س):
آگاه باشید هرکسی که بردوستی آل‌محمد(ص) بمیرد،شهید است.
اثبات الهداة، ج ۲

حبیب ایل بیگی: بی‌شک گفت و گوها به بالندگی سینمای ایران کمک می‌کند

معتقدم باید بین سینماگران، هنرمندان و اهالی سیاست و دیگرگروه‌ها گفت‌وگو و تبادل نظر صورت گیرد و نشست‌های کارشناسی انجام شود، نه اینکه این گروه‌ها از طریق رسانه با هم حرف بزنند، بی‌شک نشست‌ها و گفت‌وگوها به بالندگی سینمای ایران کمک می‌کند. شوراهایی که طبق مصوبه هیأت دولت در سازمان سینمایی تشکیل شده است براساس آیین‌نامه، مقررات و دستورالعمل‌هایی که وجود دارد نسبت به بررسی فیلمنامه‌ها و فیلم‌ها و مجوز دادن یا ندادن یا اصلاح فیلم و فیلمنامه‌ها اقدام می‌کنند.

بخشی از سخنان معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در گفت‌وگو با مهر

رضوان به هشت خلد نیارد سر
صدیقه گر بود به حشر یارش
باکش ز هفت دوزخ سوزان نی
زهرا(س) چو هست یار و مددکارش

دیوان ناصر خسرو

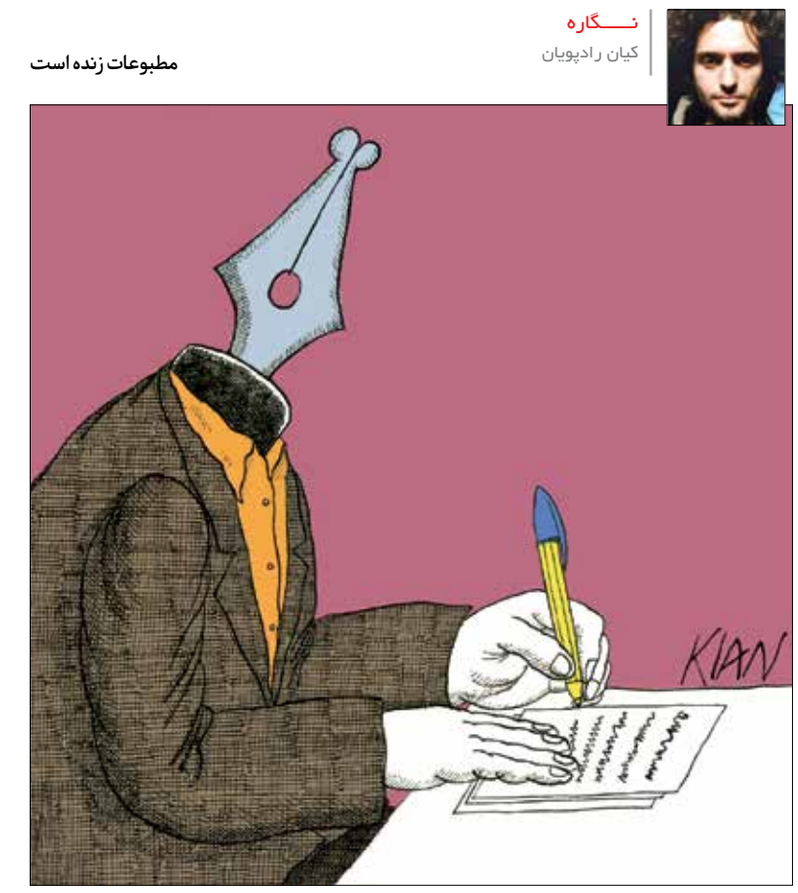

نـــگاره
کیان رادپویان

مطبوعات زنده است

تجدید دیدار با علاقه‌مندان موسیقی

یادداشت

ناصر وحدتی
خواننده موسیقی محلی، نویسنده و پژوهشگر

فروردین امسال جشنواره‌ای با دبیری آقای محسن شریفیان برگزارشد با عنوان «نوای نواحی در نوروز ۱۴۰۰» و دراین جشنواره گروه‌های مختلف موسیقی اقوام ایران در شش مکان اصلی شهرتهران اجرای برنامه داشتند که البته این برنامه با حمایت شهرداری تهران برگزار گردید و جالب است بدانید باوجود نگرانی مردم از شرایط بیماری درجامعه وهمچنین عدم واکسیناسیون گسترده در سطح کشور، اما با این تفاوت این جشنواره ازاستقبال بی‌نظیرپایتخت نشینان برخورداربود و این امرنشانگرآن است مردم کشورمان به فرهنگ وهنرخود علاقه‌مند هستند وتشنه موسیقی‌اند و به موسیقی نیاز دارند؛ براین اساس اعلام خبرآغاز دوباره کنسرت‌های موسیقی درشهرهای مختلف ایران با حضورمردم را به فال نیک می‌گیریم و نوید دهنده یک اتفاق بسیارخوب است. در واقع برگزاری این کنسرت‌ها هم به نفع مردم است وهم به نفع اهالی موسیقی که حدود دوسال به علت شیوع کرونا کنسرتی برگزار نکردند ودرمقابل ضرر و زیان‌های بسیاری هم متحمل شده‌اند. من نیز دراین مدت زمان با وجود آنکه اجرای چندانی نداشتم اما مجبور شدم در رشت فضایی را برای تمرین گروهم اجاره کنم اما درواقع هیچ کنسرتی نبود مگر کنسرت فروردین ماه امسال و همچنین فروردین ۹۹ که دربرج میلاد تهران به‌صورت آنلاین برگزارشد. با این تفاصیل بسیارخوشحالم بعد ازمدت زمان طولانی بازار کنسرت‌های موسیقی در حال رونق گرفتن است و فرصتی به‌وجود آمد تا باردیگرهنرمندان با مخاطبان ومردم عزیزکشورمان دیداری تازه کنند و آرزو دارم کنسرت‌های موسیقی روز به روز گسترده ترشود.

اما درخصوص قیمت بلیت کنسرت‌ها و اجاره بهای سالن برای موسیقی اقوام که ازشرایط خاصی برخوردارهستند، باید بگویم مسئولان فرهنگی و دوستان عزیزی که در رأس این کارقراردارند، نگاه ویژه‌تری به هنرمندان این ژانر از موسیقی داشته باشند.البته لازم به ذکراست برخی ازسالن‌های کنسرت که دولتی بوده نیم نگاه بهتری به موسیقی نواحی داشته‌اند، مانند سالن تالار وحدت که قبل از کرونا سالی دو باردراین سالن اجرای برنامه داشتیم و شامل تخفیفات اندکی بود همچنین مسئولان ارشاد شهررشت نیز دراین زمینه مساعدت‌های خوبی داشته‌اند و درسالن خاتم الانبیا این استان اجراهایی برگزار کرده‌ایم که گاهی اوقات از برخی از گروه‌ها هیچ اجاره بهایی برای سالن دریافت نمی‌شد. اما تعدادی ازسالن‌های کنسرت خصوصی است و اجاره آن هم قیمت‌های سرسام‌آوری است و براین اساس اهالی موسیقی ناچارند به جبران این اجاره بها، قیمت بلیت‌ها را افزایش بدهند و دراین صورت شرایط نامناسبی برای مردم عزیزمان به‌وجود می‌آید و همگان نمی‌توانند از این کنسرت‌ها بهره ببرند.در هر صورت امیدوارم شرایط به گونه‌ای باشد که کسی متضرر نشود.خود من به شخصه تا به امروز برنامه‌ای برای اجرای کنسرت در روزها و ماه‌های آینده ندارم و برنامه کنسرت‌های جشنواره موسیقی فجرهم چندان مشخص نیست و انتخاب اغلب گروه‌ها براساس نگاه خود برگزار کنندگان بوده است. البته چندین دوره دراین جشنواره شرکت واجرا داشته‌ام و پیشنهاد می‌کنم دیگرگروه‌های موسیقی ازاستان ما دعوت شوند و حتی این فرصت را برای جوانان نیز فراهم کنند و اداره ارشاد استان‌ها در حمایت از این گروه‌های موسیقی که تجربه حضور در جشنواره را نداشته‌اند و بخصوص جوانان و معرفی و اجرای برنامه‌های آنها تلاش بیشتری داشته باشند. اما تصمیم دارم در سال ۱۴۰۱ در شش شهر مازندران کنسرت برگزارکنم و کارهای مقدماتی آن انجام گرفته و ان‌شاءالله در سال جدید این برنامه‌ها را با حضور مردم عزیزمان داشته باشیم.

نکته دیگر در خصوص حمایت از موسیقی اقوام ایران و معرفی هرچه بهتر آن به مردم، توجه رسانه‌ای همچون صداوسیما است که دراین راستا بسیار اثرگذار بوده و دراین زمینه نقش بسیاری مهمی را می‌تواند ایفا کند وآن اهتمام به موسیقی ناب واصیل است که درحال حاضر در کشورما رایج است و تحت نظارت دولت بوده و اجرا می‌شود، هنر ارزشمندی که شعر، موسیقی و اجرای آن بسیارتأثیرگذاراست و نباید دولت و رسانه‌ها در معرفی و نشان دادن آن هراس یا نگاه متعصبانه داشته باشند چرا که موسیقی در زندگی مردم جاری بوده و تأثیرگذار است و بایستی به موسیقی ارزشمند اهمیت بدهند، باید ساز را در رسانه ملی نشان دهند و یک مقدار نگاه جدی‌تر به این موضوع داشته باشند نه نگاه تعصبی و خصمانه.

جشنواره‌ای در ستایش حقیقت

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

اگر خود را مشاهده نکنیم و امکان بیرون ایستادن از ذهن خود را نیابیم همواره اشتباهاتمان را تکرار می‌کنیم. اما دیدن خود کار ساده‌ای نیست، چرا که اغلب به‌دلیل سرعت زندگی و مشکلات بی‌شمار روزمرگی، انسان آنقدر غرق زندگی می‌شود که فرصت نمی‌کند مکث کند، بیرون بایستد و خود را مشاهده نماید. تازه اگر هم فرصت پیدا کنیم که خود را مشاهده کنیم با ذهنی قضاوت‌گر و نه چندان عادل خود را می‌بینیم؛ یا زیادی به خود سخت می‌گیریم یا زیادی سهل. این در مورد اجتماع هم صادق است. یک جامعه هم اگر خود را نبیند اشتباهاتش را تکرار می‌کند و مدام درجا می‌زند. آنقدر خلقیات بد و انتخاب‌های اشتباه در روزمرگی حل می‌شوند که اساساً جامعه نمی‌فهمد اشکال کارش کجاست وچگونه باید از تکرار اشتباهاتش جلوگیری کند. تنها چیزی که می‌بیند یک پیکر رنجور وناهمگون است که به پیوستگی و صلح نمی‌رسد. اینجا فرد و اجتماع هر دو به ابزار و نیرویی کمکی نیاز دارند. به ناظر دقیقی که از بیرون، آنها را به خودشان نشان دهد، چیزی شبیه به یک درمانگر که پیش از درمان اختلال را کشف و آشکار می‌سازد. یک آینه جادویی را تصور کنید که به‌جای ظاهر، اعمال و افکار ما را بازتاب دهد. بجای تصویر همیشگی و بیرونی جامعه، جزئیات رفتاری، فرهنگی و باورهای آن را مورد بررسی قرار دهد؛ سینمای مستند این آینه جادویی است. اگر سینمای مستند در میان تولیدات یک کشور ریشه و قوام داشته باشد و مورد حمایت قرار گیرد می‌تواند بازتاب دهنده واقعیت یک جامعه باشد و به افراد آن جامعه برای رشد و بلوغ کمک کند؛ اشکالات را نشان دهد، نقاط قوت را برجسته سازد و واقعیت را از وهم پاک سازد و در نهایت راه‌هایی برای بهتر شدن ترسیم کند.

این روزها پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینما-حقیقت در حال برگزاری است. بدون شک این جشنواره یکی از بهترین و مهم‌ترین رخدادهای سینمایی در ایران است. در طول سالیان این جشنواره موفق شده اعتبار و جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و فضای مناسبی برای عرصه آثار مهم ملی و جهانی باشد. همچنین امیدواری را برای سینماگران جوان و تجربی به ارمغان بیاورد و برای ارائه آثارشان افقی مثبت ترسیم کند. نکته دیگر کمک جشنواره سینما-حقیقت به سینمای تجربی و پیشرو است. سینمای تجربی زمینه بلندپروازی در این حرفه است. راهی که فیلمسازی را به کار و فرایندی هنری بدل می‌کند. سینمای تجربی و پیشرو ریشه‌ها و رویکردهای نو و متفاوتی را برای سینمای بدنه پدید می‌آورد و سویه‌ای فراتر از سرگرمی صرف را برای سینما ایجاد می‌کند. فضایی است برای فرار از سرمایه سالاری تا هنر به شکلی ارزان‌تر اما پیچیده‌تر و زیباتر به ظهور برسد. نکته با اهمیت دیگر در سینمای مستند عنصر تعهد است. سینمای مستند سینمای تعهد هم هست، تعهد به حقیقت. بال و پر گرفتن سینمای مستند بواسطه جشنواره سینما-حقیقت کمک به افشا شدن حقایق پنهان مانده است پس این جشنواره جشنواره‌ای است در ستایش دیدن حقیقت.

کوششی تازه از استاد کزازی در تفسیر و تحلیل اشعار حافظ

پیشنهاد

میثم فرجی
فعال حوزه نشر

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

حافظ از آن شاعرانی است که همواره کلامش تفسیر و تحلیل می‌شود. در زمان ما این کار را استادان و صاحبان اهل ذوق، چون محمدعلی بامداد، علی دشتی، منوچهر مرتضوی، عبدالحسین زرین‌کوب و بهاءالدین خرمشاهی و چند تن دیگر انجام داده اند. این خود هنر حافظ است که شعرش بر خلاف سروده دیگر شاعران، یک رویه و یک سویه نیست و هرکس در هرمقام و احوالی باشد از آن بهره می‌گیرد.

دکتر میرجلال‌الدین کزازی مدتی است تفسیر و تحلیل حافظ را بر پایه زیبا شناسی و باور شناسی آغاز کرده که تا کنون چهار مجلد از آن منتشر شده است؛ به ترتیب زمانی: «دیر مغان»، «پند و پیوند»، «چراغی در باد» و نهایتاً کتاب اخیر ایشان که با عنوان «گلگشتی در گرشمان» (گزارش بیست غزل حافظ بر پایه زیبا شناسی و باور شناسی) از سوی نشر گویا روانه کتابفروشی‌ها شده است. شیوه کار به این صورت است که هر کتاب شامل بیست غزل می‌شود. ابتدا ابیات، معنای تحت‌اللفظی می‌شود، سپس یک یک ابیات را از نظر فنون بلاغی و صنایع ادبی مورد بررسی قرار می‌دهند و سرانجام غزل با تکیه بر باورشناسی سعی شده رمز و رازهای غزل را کشف و گوهر معنا از عمق دریای اشعار خواجه برون کشیده شود. برای نمونه:

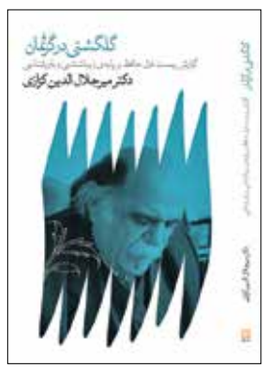

«چرا ز کوی خرابات روی برتابم؟/کزین بهم، به جهان، هیچ رسم و راهی نیست»

زیبا شناسی: پرسشی است هنری و به نشانه آنکه خواجه هرگز از کوی خرابات روی بر نخواهد تافت و هرگز جایی خوشتر از این کوی نخواهد یافت. «روی با کوی» همگونی یکسویه در آغاز می‌سازد «راه» در معنای آیین و روش بکار رفته است. در معنای دیگر خویش: جاده، با کوی و خرابات، ایهام سازواری می‌تواند ساخت.

باور شناسی: خرابات که نام دیگر آن دیر مغان است، مَیستان و نَیستان حافظ است، جایگاه سرمستی و بی‌خویشتنی است. خرابات جای یکرنگان است که فرسنگ‌ها فرسنگ از هر آنچه نشانی از رنگ و زنگ و ننگ دارد، گسسته اند، من و تن را در هم شکسته‌اند و جان را، در تنگنای تن و مینو را ، در گو گنداب گیتی، جسته‌اند.

■ **کتاب: گلگشتی در گرشمان**
■ **مؤلف: میرجلال‌الدین کزازی**
■ **نشر گویا**

درباره رؤیای زندگی کره‌ای

نکته

شهاب اسفندیاری
رئیس دانشگاه صدا و سیما

گزارشی که دیروز رادیو ۴ بی‌بی‌سی از جامعه، فرهنگ و زندگی در کره‌جنوبی پخش کرد نکات شگفتی داشت؛ اوضاع و احوال «بهشت موعود»ی که نئولیبرال‌ها سال‌ها به‌عنوان الگو برای ایران ترسیم می‌کردند واقعاً تکان دهنده بود.

جامعه‌شناسان محترمی که همه معضلات و آسیب‌های اجتماعی ما را به محدودیت و ممنوعیت و حکومت دینی تقلیل می‌دهند، چگونه این اوضاع کره جنوبی را تحلیل می‌کنند؟ این کشور «پیشرفته» یکی از بالاترین آمارهای خودکشی، مصرف الکل، مصرف قرص خواب آور و آرام‌بخش را در جهان دارد.

زنان تحت فشار شدید اجتماعی برای «اثبات خودشان» مجبور به ۱۴ ساعت یا بیشتر کار در شبانه‌روز می‌شوند، از طرفی در محیط جامعه و کار از آنها انتظار می‌رود بسیار به «ظاهر» خود برسند. آمار جراحی زیبایی بسیار بالا رفته اما جمعیت بزرگی از زنان جوان تصمیم به تجرد قطعی گرفته‌اند.

یادم افتاد به زمانی که تازه جراحی زیبایی «بینی» در ایران مد شده بود. چه تحلیل‌های «جامعه‌شناختی» که ارائه و چه مستندهای «اجتماعی» که ساخته نشد! می‌گفتند علت افزایش آمار جراحی بینی قانون حجاب است. چون زنان فقط می‌توانند چهره خود را نمایش دهند! چاره‌ای جز عمل دماغ ندارند!

چشم‌چرانی و تصویربرداری مخفیانه مردان از زنان با وضعیت نامناسب پوشش در مجتمع‌های مسکونی کره‌جنوبی و فروش آن تصاویر در سایت‌های غیراخلاقی آنقدر شایع شده که برای این «کار» در زبان کره‌ای اسم گذاشته‌اند. کدام «منع» این مردان را این‌چنین بیمارگونه «حریص» کرده است؟

رقابت دیوانه‌وار برای کار آنقدر زیاد است که برخی شرکت‌ها تحت فشار دولت، نرم‌افزاری بر رایانه‌های کارکنان نصب کردند که در ساعت خاصی خود به خود خاموش شود تا کارکنان مجبور شوند به خانه بروند، اما همان شرکت‌ها نرم‌افزار دیگری هم برای هک کردن نرم افزار اول ساخته و پخش کرده‌اند!

در واقع انگار نه شرکت‌ها نه کارکنان نمی‌توانند خود را از این مسابقه جنون‌آمیز خارج کنند. دولت قبلی که که شعارهای پیشرو داشته، ساعات کار در هفته را به ۵۲ ساعت کاهش داده. در حالی که میانگین ساعت کار در هفته در بسیاری کشورها حدود ۴۰ ساعت است.

البته صرفِ «کار» و حتی حجم زیاد کار هم لزوماً به چنین وضع پریشانی منتهی نمی‌شود. به نظر می‌رسد مسأله اصلی فقدان عدالت و بازتوزیع سود و در واقع «استثمار» انسان‌ها از یک سو و زوال «معنای کار» و در واقع زوال «معنای زندگی» از سوی دیگر در این وضعیت دخیل است.

اما بسیاری از حضرات اقتصاددان و بعضاً حتی «جامعه‌شناسان» ما اساساً سخن از «عدالت» و «فرهنگ» در مقوله توسعه را برنمی‌تابند. این مباحث از نظر آنها شعاری و بی‌حاصل است. مهم «رشد اقتصادی» است. مابقی مسائل از نظر آنها خود به خود یا به «دست جادویی بازار» حل می‌شود.

***این یادداشت در سایت شورای فرهنگ عمومی کشور منتشر شده است.**

هنرمندان در فضای مجازی

هنرمندان این روزها از اجراها، نمایشگاه جدید و ساخت کارهای جدید خبر می‌دهند. البته برخی از هنرمندان از هم آلودگی هوا و نگرانی خود سخن می‌گویند و از مردم می‌خواهند که از رفت و آمد بی دلیل خودداری کنند.

■ **یاد آنها**

درگذشت حاج داوود فرجی‌پور باعث شد که هنرمندان به نقل خاطراتی از پیتزا داوود بپردازند. اولین پیتزافروشی تهران که در سال ۱۳۴۰ در خیابان لولاگر تأسیس شد. یاد شوخی‌های او، مغازه کوچک و با تزئین متفاوت و شلوغش، پیتزاهای پرکالباس و کالباس‌های مجانی که در فویل به مشتری تحویل می‌داد. فیلم شهره سلطانی که با حاج داوود گفت‌وگو می‌کند، یکی از ویدیوهایی بود که در فضای مجازی بازتاب داشت.

درگذشت آرش اینانلو هم در بین هنرمندان بازتاب داشت. فرزند محمدعلی اینانلو مانند پدرش عاشق طبیعت بود. عباس یاری نویسنده و منتقد به نقل خاطراتی از پدر و پسر پرداخت و درباره پسر نوشت: «او و پدرش، نازنین مردانی عاشق طبیعت بودند و در دل همین طبیعت با زندگی خاکی وداع کردند. آرش دیشب در جنگل گلستان چنان محوِ ستارگان درخشان بود که هرگز رفتنش را باور نکرد. او که اتومبیلش در آلمه پارک گلستان از کار افتاده بود، برای فرار از سرما چراغ پیک‌نیکی همراهش را روشن کرد و حدود ۵ صبح برای همسرش پیامی فرستاد و جای همه را در دل آن صبح پرستاره خالیِ کرد و روح لطیفش همراه با ستاره‌های درخشان به آسمان پرواز کرد. حالا آرش درکنار پدری است که تمام عشقش ستایش طبیعت بود و از بلاهایی که انسان‌ها طی سال‌های اخیر بر سر این سرزمینِ زیبا آورده‌اند، رنج می‌برد.»

■ **چهره‌ها**

اشکان خطیبی با انتشار چند فیلم و عکس، خبر از اتمام نقش شیرزاد ملک در سریال «خاتون» به کارگردانی تینا پاکروان داد. او در متنی بلند از همه عوامل تشکر کرد و برای هر عکس شرحی نوشت. در یکی از این شرح‌ها نوشت: «دوبار دچار مصدومیت جدی شدم. یکی همین هفته پیش و دیگری، پارسال در سکانس موسوم به مرگ پروین که رباط صلیبی پاره کردم.»

محمد معتمدی هم در جایگاه خواننده خبر از اجرای جدید خود داده است: «بزودی به همراه گروه ارجمند رامبراند تریو، دو کنسرت در اروپا خواهم داشت. تلفیقی از آواز ایرانی با موسیقی هنرمندان قاره سبز. دوازدهم دسامبر در سالن کاپ، اوستنده بلژیک و شانزدهم دسامبر در سالن لانتارن ونستر، روتردام هلند.»

سالار عقیلی با انتشار فیلمی از تمرین با گروه «راز و نیاز» خبر از اجرای جدید داده است: «تقدیم به پرستاران و کادر درمان؛ برای تجلیل از زحماتی که در این ۲ سال برای هموطنان عزیزمان کشیدند. امیدواریم که بزودی با کنسرت‌های بزرگ در خدمت همه شما عزیزان باشیم.»

■ **چه خبر؟**

نمایش «تختی در اتاق ۲۳ هتل آتلانتیک» به کارگردانی تینو صالحی در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است. این نمایش را رضا بهرامی در صفحه خود معرفی کرده است و نوشت: «جنگ با دنیا سخته. اون بی رحمه. حالا تو سه راه برای پیروز شدن داری: یک: خودتو بکشی/دو: .../ سه: دیوانه شی/ من دیوانه شدن رو انتخاب کردم.» در این نمایش رضا بهرامی، مجید رحمتی، سهیل ملکی، سامان کرمی، نجلا نظریان، حسین خجسته، آروین فلاح، کهبد تاراج، مسعود حکمت‌آرا بازی دارند.

■ **دیوهای کودکانه**

کتاب «وایوو» نوشته محمد طلوعی یکی از کتاب‌های جدید نشرچ (کتاب‌های کودک و نوجوان نشر چشمه) است. محمد طلوعی نویسنده این کتاب درباره این کتاب در صفحه خود نوشت: «کتاب وایوو را برای بچه‌هاتان بخوانید و درباره‌اش با آن‌ها حرف بزنید، ما نیاز به مکالمه داریم. نیاز به ساختن دوباره دنیا از راه آموزش به بچه‌ها.» این کتاب برای کودکان بالای ۶ سال مناسب است و توسط سحر حقگو تصویرگری شده است.

* * *

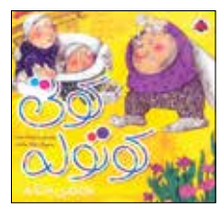

انتشارات شهر قلم خبر از انتشار کتاب جدید «کوتی کوتوله» داده است. درباره این کتاب در صفحه این نشر نوشته شده: «کوتی کوتوله» غولی مهربان است که یک فرق اساسی با بقیه غول‌ها دارد؛ او گوشت آدمیزاد نمی‌خورد. غول‌های دیگر آنقدر سر این موضوع مسخره‌اش می‌کنند که یک روز تصمیم می‌گیرد عوض شود. پس وارد شهر می‌شود تا یک آدمیزاد برای خوردن پیدا کند. وارد شهر شدن همانا و آشنا شدن با خاله و آغاز ماجراهای آن دو همانا.» این کتاب نوشته شکوه قاسم نیا است که توسط غزاله بیگدلو تصویرگری شده است و مناسب سن کودکان ۳ تا ۵ سال است.

عکس نوشت

«مسجد چشام» از بناهای زیبای دوره صفویه است که در سال ۹۷۱ ه.ق در دوران حکومت شاه طهماسب اول بنا شد و بعدها در دوران شاه سلیمان بازسازی و گسترش یافت. این مسجد تک ایوانی که در روستای چشام از توابع سبزوار قرار دارد دو شبستان و هر شبستان دو عدد ستون آجری دارد. شبستان شرقی مسجد امروزه محل برگزاری نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی است. /منبع خبرگزاری میراث آریا